

کیفیت نزول و تدوین قرآن

گفت و گو با آیت الله محمد ابراهیم جناتی

در شماره‌های گذشته، پیرامون نزول قرآن و کیفیت نگارش و تدوین آن، نکاتی را به میان آوردیم و در این حوزه، نظرانی از بزرگان علوم قرآنی از جمله سیوطی، نقل شد، که به علت حجم کم این مطالب، این نظریات از همه جهات بررسی نشد و همین امر، باعث وجود سوالاتی در میان خوانندگان این بخش شد. به همین منظور، در گفت و گویی با آیت الله محمد ابراهیم جناتی، پیرامون نکات مطرح در حیطه کیفیت نزول و نحوه نگارش و تدوین قرآن انجام گرفته است که از نظر می‌گذرد:

این رمز جاودانگی قرآن است که قرن‌ها بر آن گذشته و اندیشمندان در طول تاریخ از زوایای مختلف در آن نگریسته و کاوش کرده و مطالب نو استفاده نموده‌اند ولی هرگز از شگفتیها و نوپردازیها و نوآوریها و پیامهای آن کاهش نیافته و رونق و تازگی و سازندگی خود را از دست نداده‌است

می‌فرماید: «و قرآناً فرقتاه لتقرأ علی الناس علی مکث» گفتنی است که درباره کیفیت نزول قرآن نظرهای دیگری نیز بیان شده است که در یکی از مشهورترین این نظریات، مراحل مختلفی برای نزول آن بیان گردیده است. در کتاب «الاتقان» نقل شده است که قرآن در اول، یک نزول مجموعی بر لوح محفوظ بوده. در دومین مرحله نزول مجموعی و دفعی به آسمان دنیا صورت گرفته و سرانجام در سومین مرحله، به طور تدریجی به رسول خدا (ص) ابلاغ گردیده است. این نظریه را بزرگانی همچون زرکشی و ابن حجر به عنوان دیدگاهی صحیح و مورد اعتماد پذیرفته‌اند و همین مبنای را گرچه موافق بعضی روایات است، عده‌ای از علمای اهل سنت مخالف آیات و روایات دانسته و نپذیرفته‌اند.

○ از اسامی کتاب الهی بگوئید.

آن گونه که از آیات استفاده می‌شود خداوند در خود قرآن از این مجموعه الهی با نامهای دیگری مثل کتاب، فرقان، ذکر و تنزیل نیز یاد کرده است. علامه شیخ طاهر جزایری در کتاب تبیان و علامه علی بن احمد تجیبی معروف به حرالی بیش از ۹۰ نام را برای قرآن یاد کرده‌اند و علامه سیوطی و زرکشی، ۵۵ نام را ذکر کرده‌اند. علامه ابوالمعالی عزیز بن عبدالملک معروف به شیندله در کتاب البرهان می‌گوید: قرآن ۵۵ نام دارد ولی این گفتارها قابل نقد و اشکال است زیرا آنان بین اسامی و اوصاف قرآن خلط نموده‌اند و بیشتر عناوینی که ذکر شده اوصاف قرآن هستند و نه اسامی آن. به هر حال در قرآن اسامی و اوصاف زیادی برای قرآن یاد شده است و هر کدام دارای وجه تسمیه خاصی هستند.

○ لطفاً به طور فشرده بعضی از این عناوین و اسامی را بیان نموده و شرح دهید؟

در آیات الهی بیش از ۵۰ مورد کتاب خدا به نام «قرآن» به کار رفته است که از آن موارد آیه «لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرایته خاشعاً متصدعاً من خشیه الله» است. و وجه نامیدن کتاب به این اسم شاید این باشد که قرآن در سینه‌ها حفظ می‌شود.

○ یکی از مباحثی که در علوم قرآن مورد بحث صاحب‌نظران قرار می‌گیرد، کیفیت نزول قرآن می‌باشد که آیا دفعی بوده و یا به طور تدریجی صورت گرفته است. در این باره توضیحاتی را ارائه دهید.

ابتدا من باید تشکر کنم که تصمیم به انتشار یک نشریه قرآنی به نام «گلستان قرآن» گرفته‌اید. حقیقتاً جای یک چنین نشریه‌ای با جنبه اطلاع رسانی و پژوهشی در حوزه و وادی کتاب انسانساز تاریخ بشر بجا و بحق است و باید آن را ارج و اهمیت نهاد. امیدوارم که این نشریه تداوم یابد و در این راستا وظیفه همه است که کارهای قرآنی را حمایت کنند.

برای پاسخ به پرسش شما مناسب می‌بینم به عنوان مقدمه مطلبی را درباره این «امانت» بیان کنم. قرآن، ثقل اکبر و مطمئن‌ترین منبع شناخت دینی و اخلاقی و اجتماعی و روشن‌ترین برهان پایدگی اسلام و بالندگی جوامعی است که نظام خویش را بر اصول اسلامی بنیان نهاده‌اند. همچنین قرآن به عنوان نخستین منبع اصیل فقه اجتهادی و پایه اصلی معرف احکام شرعی، رویدادها و موضوعات مستحدثه و حوادث واقع شناخته شده است. همچنین مفاهیم آن ملاک درستی و یا نادرستی دیگر عناصر استنباطی دانسته شده است و در صورتی که با آن عنصری از عناصر استنباطی مخالفی داشته باشد، آن عنصر استنباطی، دارای اعتبار نخواهد بود. لذا قرآن، تنها نور هدایت در روزگار هجوم ظلمتها و تنها کشتی رهایی از گرداب حوادث و امواج تئوریها و نظریه‌هاست. در پاسخ پرسش شما باید بگویم که آنچه مشهور است و اعتقاد ما نیز بر آن است، این است که نزول قرآن به صورت تدریجی و در طول ۲۳ سال از بعثت تا رحلت رسول الله (ص) در موقعیتهای مختلف در مکه یا مدینه صورت گرفته است. اکنون ممکن است به نظر برخی میان اعتقاد به نزول تدریجی قرآن و آنچه خود قرآن در سوره «قدر» می‌فرماید مبنی بر اینکه: «انا انزلناه فی لیل القدر» یعنی «ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم» تنافی دیده شود، اما چنین نیست. زیرا از روایاتی استفاده می‌شود که نزول مجموعه قرآن در شب قدر و نزول آن بر پیامبر برای خواندن بر مردم به صورت تدریجی و در طول دوران رسالت بوده است. از این روست که خداوند در قرآن

قرآن به عنوان نخستین منبع اصیل فقه اجتهادی و پایه اصلی معرفت احکام شرعی، رویدادها و موضوعات مستحدثه و حوادث واقع، شناخته شده و تنها به این بسنده نشده است بلکه مفاهیم آن ملاک درستی و یا نادرستی دیگر عناصر استنباطی دانسته گردیده است. سوره‌های قرآن بر حسب نزول بعضی مکی و بعضی مدنی هستند و دانشمندان علوم قرآن در این میان بیست سوره را مدنی دانسته‌اند و در ۱۲ سوره اختلاف نظر داشته و باقی سوره‌ها را مکی خوانده‌اند.

زیرا قرآن مصدر قرائت است که در آن استذکار و استظهار شیء است و بعضی حکما گفته‌اند سبب اینکه این کتاب خدا در بین کتابهای دیگر او «قرآن» نامیده شده این است که در بردارنده جمیع فایده‌های کتابهای آسمانی دیگر بلکه در بردارنده ثمره‌های همه علوم است. «و تفصل کل شیء» و «تبیاناً لكل شیء» به همین مطلب اشاره دارد. ناگفته نماند که بعضی در این اقوال خدشه کرده‌اند و یا نظریات دیگری را در وجه تسمیه قرآن بیان کرده‌اند که برای پرهیز از اطاله کلام از آنها می‌گذریم. یکی دیگر از نامهایی که برای قرآن ذکر شده «کتاب» است. این کلمه بیش از ۲۷ بار در قرآن آمده است و «الم ذلک الکتاب لاریب فیه...» از آن جمله است. و اما نام دیگر فرقان است. این کلمه حدود ۷ بار در قرآن استعمال شده در اول سوره فرقان آمده است که می‌فرماید: «تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیراً...» فرقان معنای تفرقه و جدایی را افاده می‌کند و شاید علت آنکه فرقان نامیده شده، آن است که فارق میان راه هدایت و راه گمراهی است و نام چهارم «ذکر» است. این کلمه نیز در آیه‌ای از قرآن آمده است که از آن جمله آیه «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون» و آیه «و هذا ذکر من ربکم» ذکر به معنای شرف است و مناسبت نامیده شدن قرآن به ذکر این است که رسول خدا در نتیجه ابلاغ قرآن به مردم به آخرین مراتب شرف نائل شد و امت او نیز بهترین و شریفترین امتها به حساب آمدند، زیرا آنان حامل نور قرآن و هدایت او شدند. خداوند فرمود: «و انه لذكر لک و لقومک و سوف تسألون» نام دیگر «تنزیل» است و بدین نام در آیه‌ای چند اشاره شده است، همان گونه که در سوره شعراء، آیه ۱۹۲ آمده است که می‌فرماید: «و انه تنزیل رب العالمین» که شاید وجه تسمیه قرآن به تنزیل اشاره به نزول تدریجی قرآن باشد. علاوه بر اسامی قرآن که به برخی از آنها اشاره کردیم در قرآن کریم اوصاف زیادی نیز برای قرآن یاد شده است مثل «علی و حکیم» در سوره زخرف آیه ۴، یا «مجید» در سوره «بروج» آیه ۲۱، یا «عزیز» در سوره «فصلت» آیه ۴۱، یا «عربی» در سوره «زمر» آیه ۲۸ و یا محکم و شفاء و حبل و الصراط المستقیم و موعظه، بلاغ، بصائر، بیان، مثنی، وحی، رحمت، تذیر، مهیمن.

○ معنای لغوی و اصطلاحی سوره را بیان کنید؟

درمبدأ اشتقاق «سوره» بین بزرگان و مفسران اختلاف نظر است. بجاست به بعضی از این نظریات اشاره نماییم: اول: «سوره» مشتق است از «سوار» که معرب «دستواره» است. از آنجا که سوره‌های قرآن کریم همچون دستواره آیه‌ای از قرآن را در بر گرفته‌اند، بدانها «سوره» می‌گویند. دوم: «سوره» اسم است برای بخشی از قرآن که دست کم سه آیه باشد. این نظری است که سید مرتضی در کتاب فرائد الغوالی علی شواهد الامالی به آن اشاره کرده است. سوم: «سوره» در اصل مهموز سوره است به معنی «نیم خورده و باقیمانده آشامیدن در ظرف» که در واقع شامل یک قسمت می‌شود و از آنجا که بخشی از قرآن است بدان سوره گفته‌اند. علامه محمد بن عبدالله زرکشی در کتاب البرهان فی علوم القرآن یادآور این نکته

شده است. چهارم: «سوره» از سور به معنی حصار بلد است و چون در یک سوره قرآن آیه‌ای چند گرد آمده است به این نام خوانده شده است. پنجم: سوره دراصل مهموز نیست و از سور بنا ماخوذ است. این قول «ابوعبید» است. ششم: «سوره» از تسور به معنای تصاعد و ترکیب است. و هفتم: «سوره» دراصل مهموز و به معنای پاره‌ای از قرآن است که از بقیه آن جدا شده و چون به صورت مستقلی درآمده و مقداری از آیات را دربر دارد دارای اسم مخصوصی شده است. علامه ابن کثیر در تفسیر قرآن العظیم و علامه جلال الدین عبدالرحمان سیوطی در الاتقان فی علوم القرآن این سخن را ذکر کرده‌اند. هشتم: «سوره» به معنای مقام رفیع و ارجمند نیز آمده است و به همین معنی است قول شاعر «الم تر ان الله اعطاک سوره». آنچه تا کنون بدان اشاره کردم بیشتر معنی لغوی سوره را بیان می‌کرد، لیکن اصطلاحاً «سوره» به بخشی از آیات قرآنی می‌گویند که دارای ابتدا و انتهاست و اینکه بعضی گفته‌اند «سوره» بخشی از آیات قرآنی است که میان دو بسمله قرار دارد نمی‌تواند مورد قبول باشد، زیرا نقص‌پذیر است. به طور مثال در دو سوره انفال و براءت بسمله وجود ندارد و حال آنکه حقیقتاً دو سوره‌اند و یا در وسط سوره نمل بسمله آمده، در حالی که فاصله دو سوره را نشان نمی‌دهد.

○ ویژگیها و تعداد آیات مکی و مدنی در قرآن چگونه می‌باشد؟

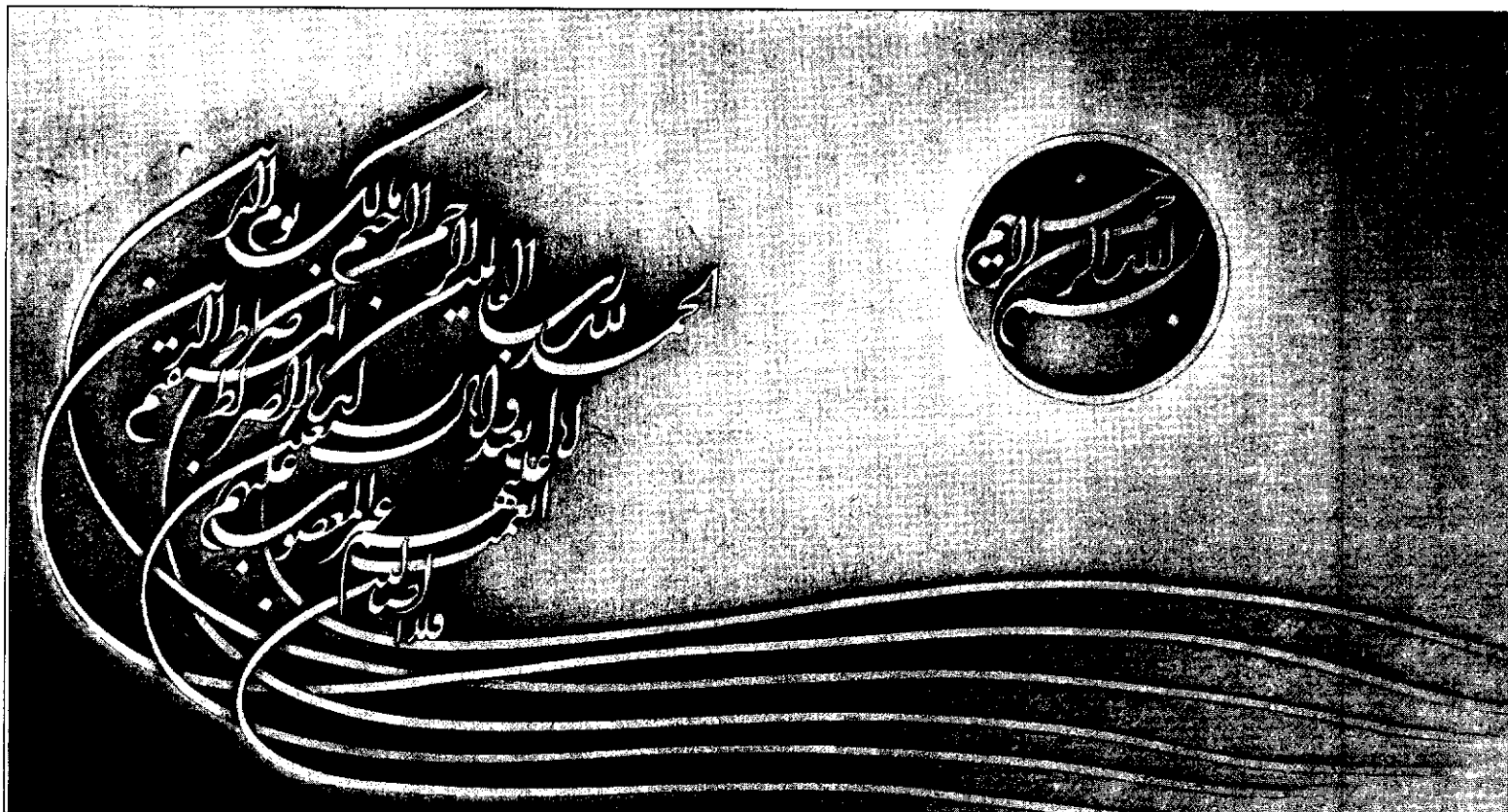
قرآن کریم بنا بر مشهور ۱۱۴ سوره دارد، البته قولی نیز به ۱۱۳ سوره اشاره دارد. سوره‌های قرآن بر حسب نزول بعضی مکی و بعضی مدنی هستند، دانشمندان علوم قرآن در این میان ۲۰ سوره را مدنی دانسته‌اند و در ۱۲ سوره اختلاف نظر دارند و باقی سور را مکی خوانده‌اند. در اینکه ویژگیهای سوره مدنی یا مکی چیست بعضی نظریاتی ابراز داشته‌اند. علامه سیوطی می‌گوید که خصوصیات سوره‌های مکی عبارتند از: ۱- وجود سجده در آنها ۲- وجود لفظ «کلا» در آنها ۳- خطاب با «یا ایها الناس» ۴- وجود قصص انبیا و داستان پیشینیان و جریان ابلیس در آن، به استثنای سوره بقره ۵- شروع سوره با حروف مقطعه از قبیل «الم و الراء». البته ویژگیهای دیگری را نیز برای شناخت سور مکی یادآور شده‌اند: مثل کوتاهی آیات و سور، شدت تعبیر، دعوت به اصول اعتقادی، زیادی سوگند و مجادله با مشرکانی که کلیت ندارد.

○ حال مفهوم آیه از دیدگاه دانشمندان لغت چگونه است؟

برای آیه در لغت معانی مختلفی مانند «شانه، دلیل، جماعت و امر شگفت‌آور» ذکر کرده‌اند و به معنی اول و دوم در آیه ۵۳ از سوره فصلت آمده «سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق...» و در اصطلاح آیه عبارت است از بخشی از حروف یا کلمات یا جملاتی که از طریق نقل، حدود آنها به گونه کامل در قرآن معین شده باشد.

○ ترتیب و شمار آیات قرآن به چه سان می‌باشد؟

آن گونه که از نقلها به دست می‌آید آیه‌های قرآن باره‌نمایی رسول خدا مرتب شده است که در این باره صاحب صحیح بخاری



در کتاب تفسیر القرآن باب ۴۱۸ و صاحب الاتقان فی علوم القرآن مطالبی بیان کرده‌اند و اما درباره شمار آیات نظریات مختلفی بیان شده است که به «عدد کوفی، مکی، مدنی، بصری، شامی و...» از آنها یاد می‌شود. لیکن علامه طبرسی در کتاب ارزشمندش براین عقیده است که صحیح‌ترین عدد دراستناد عدد کوفی است که از اعتبار روایی برخوردار است. این عدد از امیر المومنین (ع) گرفته شده است و با روایتی از پیامبر که قرآن دارای ۶۲۳۶ آیه است، تایید می‌شود. آنچه روشن است پایه عدد آیات که به قول علامه سیوطی در الاتقان فی علوم القرآن تعداد آن از ۶۲۰۰ آیه کمتر نیست و این مورد اتفاق دانشمندان علوم قرآن است، چنانکه بعضی تعداد آیه‌ها را ۶۲۰۴، ۶۲۱۴، ۶۲۱۶، ۶۲۲۵، ۶۲۳۶، ۶۶۶۶ اعلام کرده‌اند.

○ نظریاتی که در مورد گردآوری قرآن تا کنون ارائه شده است چند نظریه‌اند؟

در پاسخ به این سوال به طور فشرده باید عرض کنم که دانشمندان شیعه براین عقیده‌اند که پس از وفات رسول خدا (ص) نخستین کسی که به گردآوری و ضبط آیات قرآن پرداخت، امیر المومنین علی بن ابی طالب (ع) بود. گردآوری قرآن به دست علی (ع) درباره‌ای از مصادر مورد تایید قرار گرفته است، از جمله ابن ندیم می‌گوید: امیر مؤمنان علی (ع) سوگند یاد کرد ردا بر دوش نیفتند مگر آنکه قرآن را جمع آوری نماید و بدین خاطر حضرت سه

روز در منزل نشست و به این مهم پرداخت و در مصادر اهل سنت آمده است که امام علی (ع) قرآن را بر حسب نزول جمع‌آوری کرد. ممکن است مراد آنان این باشد که آن حضرت قرآن را با تعلقه آیه‌ها، وقت نزول و شان نزول و با اشاره به اینکه در حق چه کسی نازل شده گردآوری کرده باشد و گرنه معقول نیست که امام علی (ع) کیفیت جمع‌آوری رسول خدا (ص) را تغییر دهد.

دومین نظر در مورد گردآوری قرآن را گروهی دیگر از علمای اهل سنت گفته‌اند که براین عقیده‌اند که جمع‌آوری آیات قرآن به دست ابوبکر صورت گرفت. آنها می‌گویند پس از اینکه حدود هفتاد نفر از قاریان و حافظان قرآن در جنگ با مسیلمه کذاب در سال دوازدهم هجرت کشته شدند، عمر به ابوبکر پیشنهاد کرد که قرآن را گردآوری کند و ابوبکر مطلب را با زیدبن ثابت در میان گذاشت. او نپذیرفت زیرا معتقد بود که اگر انجام دادن این کار ضروری بود رسول خدا (ص) خود آن را انجام می‌داد، ولی پس از یک ماه ابوبکر پیشنهاد عمر را پسندید و زیدبن ثابت به دستور ابوبکر قرآن را که بر استخوانها و قطعات چوب و سنگ و... به صورت پراکنده نوشته شده بود، در مجموعه‌ای گردآوری کرد. این مصحف ابتدا نزد ابوبکر و سپس نزد عمر و پس از او نزد حفصه دختر عمر نگهداری می‌شد. اما سومین نظریه اینکه کار گردآوری قرآن در زمان عمر به اشاره او صورت گرفته است. البته ممکن است که منظور ایشان همان مطلبی باشد که

قرآن در زمان خود رسول خدا تنظیم و تدوین شده و از زمان رسول خدا و صحابه کلمه «مصحف» بر آن اطلاق می‌شده است و گویای این مدعا احادیثی است که در مصادر شیعه و سنی نقل شده است اگر بر آن باشیم که جایگاه قرآن و نقش آن را در ابعاد زندگی مادی و معنوی بشر ترسیم کنیم، بی‌تردید راهی به بلندای آفتاب در پیش رو و منظری بس گسترده در پیش چشم خواهیم داشت

قبلاً یادآور شدیم، یعنی بنا بر نقل عمر پیشنهاد جمع‌آوری قرآن را به ابوبکر داد و چون پیشنهاد اصلی از عمر بود کار گردآوری قرآن را به او نسبت دادند و اگر چنین توجیهی را قبول نکنیم دلیل معتبری بر ادعای مذکور موجود نیست. چهارمین نظریه اینکه دسته‌ای دیگر بر این نظر و اعتقادند که جمع‌آوری قرآن در زمان عثمان ابن عفان صورت گرفته است. برخی از مورخین نوشته‌اند حذیفه بن یمان سردار معروف بعد از جنگ ارمینیه و آذربایجان به مدینه رفت و با عثمان ملاقات نمود و او را از آن بر حذر داشت و گفت اهل کوفه به گونه قرائت ابن مسعود و اهل بصره به گونه قرائت ابوموسی و اهل شام و دمشق به گونه قرائت ابی بن کعب و اهل حمص به قرائت ابن مقداد کتاب خدا را می‌خوانند. او سپس گفت ای عثمان پیش از آنکه امت در امر کتاب مانند یهود و نصاری اختلاف کنند، آنها را دریاب. عثمان پس از مشورت با اصحاب خود نظر حذیفه را پذیرفت. اما پنجمین و آخرین نظریه که عده‌ای بر این باورند که رسول اسلام (ص) به منظور حفظ قرآن دستور داد که آیات قرآن را در زمان خود آن حضرت بنویسند و ضبط نمایند. بر اساس این نظریه قرآن به صورت و با کیفیت و نظم کنونی، در

زمان رسول خدا(ص) تنظیم و تدوین شده. شیوه تنظیم چنین بوده‌است که شخص پیامبر هر گاه آیه‌ای نازل می‌شد برای مؤمنان باز می‌خواند، به عده‌ای که مسوول نوشتن آیات و ضبط آنها بودند دستور می‌داد که این آیه را در فلان سوره و قبل یا بعد از فلان آیه ثبت نمایند. گروهی که مسوول ضبط و نوشتن آیات بودند «کتاب وحی» نامیده می‌شدند و تعداد آنها حدود چهل و سه و یا چهل و پنج تن دانسته شده‌است و قرائن و شواهدی این نظریه را تایید می‌کند که قرآن مجموعه قوانین اساسی و اصولی اسلام است و پیامبر (ص) خود نقش حساس و عظیم آن را در تاریخ آینده بشر می‌شناخته و اهمیت نقش قرآن و آگاهی پیامبر به آن می‌طلبیده است که رسول خدا در حفظ و نگاهبانی از آن نهایت سعی را مبذول دارد و راههای مختلف را برای حفظ آن از تحریف در نظر گیرد و بپیماید. بدیهی است که لازم‌ترین کار به منظور تحقق و تأمین چنین هدفی تنظیم و تحریر و ضبط آیات قرآن بوده‌است. بدین جهت نمی‌توان پذیرفت که پیامبر (ص) آیات قرآن را به صورت پراکنده و متفرق در میان مسلمانان رها کرده باشد و به حفظ و جمع‌آوری آن نیندیشیده باشد.